



Shahid Rajaee Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
semi-annual scientific journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.9, No. 18
Autumn 2020 & Winter 2021

Journal Homepage: www.orj.sru.ac.ir

The Emergence of Man in the Industry **A Philosophical Approach on the Emergence of Man in the** **(Industry and Appearance of Industrial Body)**

Ahmad Shahgoli¹

Abstract

In this study, the relationship between the Industry and makers and emergence of human in the Industry is discussed with a philosophical approach and rational method. Accordingly, man manifests through industry and the industry is a kind of human action that is the extension of human existence. The following seven courses are suggested to explain how the man emerged through the Industry. 1. The causal emergence of the man, 2. The scientific emergence of the man, 3. The ultimate emergence of the man, 4. The Wisdom emergence of the man, 5. The voluntary emergence of the man, 6. The practical emergence of the man, 7. The quality emergence of the man. These are the general modes of human manifestations in industry. Therefore, man appears in industry and industries are the manifestation of

¹- faculty member, Iranian Institute of Philosophy

shahgoliahmad@gmail.com

Received: 05/07/2019

Reviewed: 19/01/2020

Revised: 06/09/2020

Accepted: 28/12/2020

human emergence. Based on the explanation of man's relation to industry, the author considers industry as an "artificial body" as well as a "natural body". This correspondence between the "artificial body" and the "natural body" helps us to understand some of the issues of industry and technology. The "artificial body", like the "natural body", finds certain rules and requirements in the face of man.

Keywords: Industry, Human, The Emergence of Human in the Industry, the Industrial Body.

Problem Statement

Encountering philosophy with technology is the practical test to measure the benchmark of philosophy in facing with new problems and, on the other hand, indicates its practical and scientific benefits. Unfortunately, the topics of philosophy of technology, which is a new and practical discussion, today are caught in two aspects of extremism in the design of abstract discussions and extremism in pure empiricism, without any theoretical foundations. Some of the issues raised in the philosophy of technology, like many of the issues raised in other sciences, have been suffered from the same problem. Through a rational method, present paper intends to clarify the relationship between human and industry. The main question is that, what is the relationship between industry as a human action and human as the actor? In addition to human action in industries, can one talk about human emergence in industries? Can human artifacts be an extension of human traits? The common supposition is that man builds industry and industries are separated from human and human traits. On this basis, man is considered as the actor of industry and there is a real relationship between man and industries. Industry is the extension of human existence and due to their capabilities, industries are the emergence of human traits. When man builds industry, it is based on traits and dispositions which shape an industry. Such traits and dispositions are human dignities emerged in industry. When such traits are the origin of something genesis, one can say that it is a symbol of human manifestations. When a scientist writes a book, it becomes his manifestation and writer's scientific dignity is emerged in this book. Someone's behavior is the emergence of human traits. The behavior that a human being performs is the emergence of human attributes. Also, when a manufacturer builds an industry, his scientific product is a representation of his existence and his scientific aspect is represented in the industry. Therefore, industry can be considered as a level of human existence, but this level has a weaker ratio than human beings compared to levels such as science, which have a strong and intense relationship with human beings and are within human beings. It is from human existence. In fact, humanism is of different manifestations and levels. Some of these are extreme and some are strong.

Some have strong relationships with humans. Others are outside of human nature, which at the same time is the emergence of a human trait.

Method

This research is based on library method and rational analysis.

Findings and Results

Accordingly, man manifests through Industry and the Industry is the kind of human action that is the extension of human existence.

The following seven level are suggested to explain how man emerged through the Industry. 1. The causal emergence of the man, 2. The scientific emergence of the man, 3. The ultimate emergence of the man, 4. The Wisdom emergence of the man, 5. The voluntary emergence of the man, 6. The practical emergence of the man, 7. The quality emergence of the man

Human industrial activities create a second body in the extension of natural body called "artificial body". Natural body is intermediary between human and nature while artificial body is intermediary between us and industry and nature. Hence, artificial body is influenced like natural body and impacts on human.

References

- Ameri A, *Rasayil*, Tehran: University Press; 1996. Arabic.
- Farabi, Abu Nasr, *Ahsa'al-oloom*. Tehran: Cultural and Scientific Publications; 1984. Arabic.
- Glenn A, *Roikardi falsafi mardomshnasi bh fanavari*, Translated by Manouchehr Sanei, Tehran: Religions and denominations; 2009. Persian.
- Ibn Khaldun A, *Moqdmh*, Translated by Parvin Gonabadi, Tehran: elmei and farhangi; 1990. Persian.
- Plantinga A, *Warrant and Proper Function*. New York and Oxford: Oxford University Press; 1993.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Shahid Rajaei Teacher Training University- Iran
Ontological Researches
semi-annual scientific journal
ISSN (print): 2345-3761 (online): 2676-4490
Type: Research

Vol.9, No. 18
Autumn 2020 & Winter 2021

پژوهش‌های هستی‌شناختی

دو فصلنامه علمی

نوع مقاله: پژوهشی

سال نهم، شماره ۱۸

پاییز و زمستان ۹۹

صفحات ۵۹۴-۵۷۱

ظهور انسان در صنعت

(رهیافتی فلسفی به نحوه ظهور انسان در صنعت و شکل‌گیری «بدن صناعی»)

احمد شه‌گلی^۲

چکیده

در این مقاله با رویکرد فلسفی و روش عقلی به رابطه بین صنعت و صانع و نحوه ظهور انسان در صنعت پرداخته می‌شود. بر این اساس، انسان در صنعت تجلی می‌کند و صنعت نوعی عمل انسانی است که امتداد و بسط وجود انسان است. برای تبیین نحوه ظهور انسان در صنعت مجاری هفت‌گانه زیر بیان شده است: ۱- ظهور علی انسان، ۲. ظهور علمی انسان، ۳. ظهور غایی انسان، ۴. ظهور حکمی انسان، ۵. ظهور ارادی انسان، ۶. ظهور فعلی انسان، ۷. ظهور کیفی مجاری. این موارد انحاء کلی ظهورات انسان در صنایع هستند. بنابراین انسان در صنعت ظهور می‌کند و صنایع جلوه‌گاه ظهور انسانند. نگارنده بر اساس تبیین رابطه‌ای که انسان نسبت به صنعت دارد، صنعت را «بدن صناعی» به وزن «بدن طبیعی» می‌داند. این تناظر بین «بدن صناعی» با «بدن طبیعی» ما را در فهم برخی از مسائل صنعت و فناوری یاری می‌کند. «بدن صناعی» همانند «بدن طبیعی» در مواجهه با انسان، احکام و اقتضائات خاصی پیدا می‌کند.

کلمات کلیدی: صنعت، انسان، ظهور انسان در صنعت، بدن صناعی.

shahgoliahmad@gmail.com

^۲ - عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

۱. بیان مسأله

رویکرد فلسفی به تکنولوژی موضوعی جدید و نوپا است که اخیراً در فلسفه تکنولوژی مورد بررسی قرار گرفته است. طرح این‌گونه مباحث از جهات متعددی ضرورت دارد و باعث خارج کردن فلسفه از مباحث انتزاعی و بکارگیری آن در مباحث عینی و انضمامی می‌شود. مواجهه فلسفه با تکنولوژی آزمون عملی سنجش عیار فلسفه در مواجهه با مسائل جدید است و از طرف دیگر فوائد علمی و عملی بر آن مترتب است. مع الاسف مباحث فلسفه تکنولوژی که بحثی جدید و کاربردی است، امروزه گرفتار دو جنبه افراط در طرح مباحث انتزاعی و افراط در تجربه‌گرایی محض، بدون وجود مبانی نظری، شده است. اساساً در هر موضوع علمی می‌توان یکسری مباحث انتزاعی، حاشیه‌ای، کم‌فایده و بیهوده مطرح کرد و صورت بحث را از جایگاه حقیقی آن خارج کرد. برخی از مباحثی که در فلسفه تکنولوژی مطرح می‌شود، مانند خیلی از مباحثی که در سایر علوم مطرح می‌شود دچار چنین آفتی شده است. این پژوهش با روش عقلی، در صدد تبیین نسبت انسان با صنعت است. صنعت به عنوان فعل انسانی چه نسبتی با انسان، به عنوان فاعل آن دارد؟ در این مقاله با رویکردی فلسفی به تبیین چگونگی ظهور انسان در صنعت می‌پردازد. برای تبیین این موضوع، انحای ظهور انسان در صنایع بیان می‌شود. نگارنده بر اساس این ایده به تبیین دلالت بحث شکل‌گیری «بدن صناعی» می‌پردازد. این بدن امتداد «بدن طبیعی» و متناظر با آن است. در لابلاي متون حکما بحثی مطرح شده که صنایع و مشاغل امتداد قوای انسان هستند. برخی از صنایع ضروری و اساسی (کشاورزی، نساجی و بنایی) و سایر صنایع، خادم، مقدمات یا لواحق آنها می‌باشند. بر اساس این رویکرد با تأمل در هر یک از صنایع اصلی، مشخص می‌شود که هر یک از آنها ما یزای یکی از قوای انسان هستند. کشاورزی، جهت تأمین غذا، نساجی، جهت تولید لباس و بنایی برای ساخت مسکن است. «صنعت» قابلیت در برابر «قوه مولده» و «طبابت» متناظر با «قوه دافعه» و فعالیت «خباز» همانند «قوه هاضمه» است (ملاصدرا، ۲۰۰۳، ص ۲۶-۲۷). حکیم ملاصدرا در مجموعه اشعار خود این مطلب را چنین بیان کرده است:

اهل صنعت چون قوای خادمه
 هر یکی در کار خود فرزانه‌اند
 اهل صنعت‌ها، سه صنعت می‌شناس
 اولش برزی‌گری بهر غذا
 پس دگر نساجی از بهر لباس
 پس دگر بنا ز بهر مسکنی
 این سه صنعت اصل صنعت‌ها بود
 هست نهصد پیشه فرع این سه تا
 جاذبه یا دافعه، یا هاضمه
 در مقام گرمی هنگامه‌اند
 من بگویم با تو هر یک را قیاس
 تا پذیرد روح، قوت از نما
 تا دهد جلد صنایع را اساس
 کز عدو باشد کسان را مأمنی
 جمله صنعت‌ها فرود این رود
 دون این باشند اندر هر بها

(ملاصدرا، ۲۰۰۳، ص ۲۶-۲۷)

بر اساس این رویکرد می‌توان گفت صنعت امتداد بدن مادی و بدن مادی نیز امتداد قوای نفسانی است. در نتیجه صنایع مظاهر «قوای انسانی» هستند. در بحث‌های فلسفه تکنولوژی به این موضوع نیز اشاراتی می‌شود که فناوری‌ها هر کدام به گونه‌ای ادامه ابزارهای بدنی انسان هستند (گلن آرنولد، ۲۰۰۹، ص ۱۳۱-۱۳۲). در هر صورت در این مقاله با تبیین رابطه بین صنعت و صانع و صورت‌بندی نحوه ظهور انسان در صنعت و تبیین انحای این ظهور و بیان دلالت‌ها و لوازم آن، در صدد طرح مباحث صنعت و فناوری از منظری انسان‌شناختی هستیم. بنابراین این بحث از یک طرف با فلسفه تکنولوژی و از طرف دیگر با مباحث انسان‌شناختی ارتباط دارد.

۲. چیستی صنعت و صانع

صنعت از واژه «صنع»، به معنای انجام فعلی به شایستگی و نیکویی است (راغب، ۱۹۹۲، ص ۴۹۳). این واژه مشتقات مختلفی دارد. یکی از متداول‌ترین آنها، «صنعت» است. اصطلاح صنعت در متون حکما اسلامی فراوان بکار رفته و کاربردهای مختلفی نیز از آن اراده شده است. این واژه در برابر «طبیعت» قرار دارد (صناعی در مقابل طبیعی) و اصطلاح طبیعت نیز دارای معانی متعدد است (ر.ک: ابن سینا، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۳۱). «صناعت»

مترادف صنعت است که به عمل و حرفه صانع گفته می‌شود. در تعریف صنعت گفته‌اند: هر عملی که انسان بر اثر انجام، آن را تکرار کند تا در آن ماهر شود و حرفه او گردد، صنعت است. مانند: پزشکی، کشاورزی، موسیقی و ... استعمال این لفظ در معانی علمی و فلسفی بر روش منظمی دلالت دارد که در عمل دستی یا ذهنی از آن پیروی می‌شود. ابن خلدون صنعت را به معنای ملکه‌ای که در اثر انجام مکرر یک عمل از طریق بدن حاصل می‌شود، تعریف می‌کند و صنعت را فعالیت می‌داند که از طریق فعالیت بدنی انجام می‌شود (ابن خلدون، ۱۹۹۰، ص ۷۹۱-۷۹۲). بنابراین ملکه نفسانی بودن صنعت، سبب می‌شود، فعل از فاعل به سهولت و راحتی صادر شود. میرفندرسکی در رساله *صناعیه* صنعت را قوه‌ای فاعله می‌داند که با رسوخ حالتی نفسانی، از روی آگاهی و شعور، موضوعی در جهت غرضی مشخص و محدود فعالیت از او صادر می‌شود (میرفندرسکی، ۲۰۰۸، ص ۷۸). دامنه کاربردهای صنعت در سنت فراوان است، کاربرد این واژه برای علوم و فنون، هنر مشاغل و حرفه دلالت بر تنوع استعمال این واژه دارد. این تنوع استعمال به‌گونه است که برخی مانند میرفندرسکی پیامبری را نوعی صنعت می‌دانند (میرفندرسکی، ۲۰۰۸، ص ۷۸). از مجموع کاربردهای مختلف صنعت در متون دانشمندان اسلامی می‌توان گفت این واژه اصطلاح عامی است، که شامل علم، هنر، پیشه، امور اداری و دیوانی، یاددهی و یادگیری و کسب فضایل می‌شود (رحیمی، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲). مراد از صنعت در اینجا اصطلاح عام آن که شامل هنر، مشاغل، تجربه و مهارت می‌شود، نیست، بلکه اصطلاح خاص آن، یعنی «صنایع و مصنوعات بشری» است. صنایع قدیم و مصنوعات مدرن از آن حیث که فعالیت صنعتی انسان هستند، به عنوان یکی از مصادیق بارز این معنا از صنعت هستند. این معنا از صنعت شامل، مصنوعات بشری که با مهارت، فن، تغییر و تصرف در اشیا، توسط انسان جهت بهره‌برداری از طبیعت ساخته می‌شوند. این قسم از صنعت، مصداقی از صنعت به معنای عام آن است که صنعت با دخالت اراده انسان به وجود می‌آید. بر همین اساس در فلسفه یکی از رایج‌ترین تفاوت‌های بین شی طبیعی و صناعی، تفاوت از جهت دخالت اراده انسانی و عدم دخالت آن است (فارابی، ۱۹۸۴، ص ۶۷). شی طبیعی مستند به مبادی عالیه و اراده انسانی در آن دخالت ندارد، اما شی صناعی به دخالت اراده انسانی است (طوسی، ۱۹۷۰، ص ۱۱۸-۱۱۳). بنابراین دیدگاه رایج حکما و فهم عمومی

از تفاوت بین اشیاء طبیعی و صناعی به دخالت اراده انسانی در اشیای صنعتی و عدم آن در اشیای طبیعی است. برای تکمیل این دیدگاه نیاز به افزودن یک قیدی است، تا هر نوع تصرف و تغییری را به وسیله انسان، جسم صناعی و مصنوعی ننماییم. به عنوان مثال کشاورزی که یک نهال می‌کارد و آن را آب می‌دهد و حرس می‌کند، این کار به اراده و فعالیت اوست، اما نمی‌توان به این دلیل آن را جسم صناعی و درخت مصنوعی دانست. بر این اساس برای تبدیل شی طبیعی به جسم صناعی، لازم است "ساخت و تولید" به وسیله انسان صورت گیرد. ساخت و تولید نیز با تصرف و تغییر انسان در اشیا و ترکیب و سوار بر هم کردن اجزای مختلف، جهت نیل به هدف حاصل می‌شود. بیل، چرخ چاه، آسیاب بادی در قدیم، ماشین و کامپیوتر در دوره جدید نمونه‌ای از صنایعی است که همراه با ساخت و تولید است. مراد از «صانع»، «صنعتگر» و فاعل انسانی است صنایع و ابزارها را می‌سازد. صانع انسانی، «علیت اعدادی» نسبت به صنعت خود دارد. صانع انسانی، افاضه‌کننده وجود صنعت نیست، بلکه با تغییر، تصرف و ترکیب اجزاء مختلف، اشیا و صنایع را می‌سازد. بنابراین بکارگیری علت و فاعل درباره صنایع انسانی به معنای «علیت اعدادی» است.

۳. تبیین دیدگاه

انسان دارای مظاهر گوناگون است. اندیشه و تفکر، علم و دانش، گفتار و رفتار نمونه‌هایی از مظاهر انسانی هستند که انسان در آنها تجلی می‌کند. این سخن به این معنا است که انسان در این امور ظهور می‌کند. مراد از ظهور؛ تجلی و حضور انسان در امر ظاهر شده است. انسان، فاعل صنایع است. فاعل صنعت چه نسبتی با صنعت دارد؟ آیا مصنوعات بشری می‌توانند بسط و امتداد اوصاف انسانی باشند؟ تصور رایج این است که انسان صنایع را می‌سازد و صنایع منفک از انسان و اوصاف انسانی است. بر اساس این دیدگاه، فاعل صنعت، انسان است و ارتباط حقیقی بین انسان و صنایع او وجود دارد. صنعت امتداد وجود انسان و صنایع به حسب قابلیت، ظهور اوصاف انسانی است. انسان وقتی صنعتی را می‌سازد، ساخت او بر اساس اوصاف و شئونی است که منجر به شکل‌گیری صنعت می‌شود این اوصاف و شئون، حیثیات انسانی هستند که به نحوی در صنعت بروز می‌کنند. وقتی این اوصاف مبدأ برای پیدایش چیزی می‌شوند، می‌توان گفت آن شی مظهري از مظاهر انسان

است. وقتی دانشمندی کتابی می‌نویسد کتاب مظهر او می‌شود و حیثیت علمی نویسنده در کتاب ظهور می‌کند. رفتاری که یک انسان انجام می‌دهد، ظهور اوصاف و صفات انسانی است. همچنین وقتی صانع، صنعتی را می‌سازد، حیثیت علمی او در صنعت ظهور پیدا می‌کند، صنعت حاصل از حکمت انسان، نیز به نوعی ظهور حکمی انسان است. صنایع امتداد وجود انسان در عالم مادی و ظهور، نوع خاصی از تعیین بشری است. در این صورت صنعت را می‌توان مرتبه‌ای از وجود انسان دانست، اما این مرتبه در مقایسه با مراتبی مانند علم، که نسبت قوی و شدید با وجود انسان دارند و در درون انسان است، نسبت ضعیف‌تری نسبت به انسان دارد و خارج از وجود انسان است. در حقیقت انسان داری مظاهر و مراتب مختلف است. برخی از این مراتب شدید و برخی قوی هستند. برخی ارتباط قوی با انسان دارند. برخی دیگر خارج از ذات انسان هستند که در عین حال، ظهور صفتی از صفات انسان‌اند.

۴. مجاری ظهور انسان در صنایع

برای تبیین این موضوع در اینجا شش مورد از نحوه ظهور انسان در صنعت بیان شده است. این موارد عبارتند از: ۱. ظهور علی انسان، ۲. ظهور علمی انسان، ۳. ظهور غایی انسان، ۴. ظهور حکمی انسان، ۵. ظهور ارادی انسان، ۶. ظهور فعلی انسان، ۷. ظهور کیفی مجاری. این موارد انحای کلی ظهورات انسان در صنایع هستند. هر یک از این امور حیثیت‌های مختلف انسان در تأثیرگذاری در صنایع است. برآیند جامع این حیثیت‌ها، تحقق «صنعت انسانی» است. این نحوه ظهور انسان در اختصاص به صنعت ندارد و در همه افعال اختیاری انسان نیز جاری است. البته بین نحوه ظهور انسان در فعل و صنعت تفاوت‌هایی وجود دارد. در اینجا بر اساس اینکه بحث مربوط به صنعت است و در صدد تبیین دلالت‌های آن هستیم. لذا مباحث را بر اساس صنعت صورت‌بندی می‌کنیم.

یک: ظهور علی انسان

نحوه علیت انسان در پیدایش صنعت، «اعدادی» است. بر اساس یک تقسیم‌بندی، علت یا حقیقی است یا اعدادی. علت حقیقی، علتی است که وجود معلول وابستگی حقیقی به آن

دارد، به گونه‌ای که جدایی معلول از آن محال است، مانند علیت نفس برای اراده و صورت‌های ذهنی که نمی‌توانند جدای از نفس تحقق یابند. بنابراین علت اعدادی در فراهم آوردن زمینه پیدایش معلول مؤثر است، اما وجود معلول وابستگی حقیقی و جدایی‌ناپذیر به آن ندارد، مانند: پدر نسبت به فرزند (مصباح یزدی، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۱۹). نگارنده بر اساس تلقی خاصی که از علیت اعدادی دارد. این موضوع در ضمن پژوهشی به نام «تأملی در ماهیت علت اعدادی» انشاءالله چاپ خواهد شد. به نظر نگارنده علیت دارای مراتب و مصادیق مختلف است. بر اساس «اصالت وجود» و «تشکیک در وجود»، تبیین دقیق علت به این است که بگوییم: «وزان علت» به «وزان وجود» است. علت و معلول از احکام وجود است و وجود نیز مشکک است. همان طوری که وجود دارای سلسله مراتبی از شدید و ضعیف، مستقل و وابسته، غنی و فقیر و ... است؛ علت نیز در مراتب وجود واقع می‌شود و دارای طیف وسیعی از علل از شدیدترین تا ضعیف‌ترین مراتب است. همان طور که وجود دارای مراتبی از شدید و ضعیف است، اما با این حال حقیقتاً و بدون مجاز بر همه مراتب آن حتی مرتبه‌ای که در مرز نیستی است، یعنی ماده اولی وجود اطلاق می‌شود و جز مراتب وجود به شمار می‌رود؛ در بحث علیت نیز همان معیار جاری است. علیت نیز مشمول حکم تشکیک است. در رأس علل، علل ایجادی و در آخرین مرتبه، علل اعدادی قرار می‌گیرد. بر اساس نگرش تشکیکی به علیت، علت معد نیز حقیقتاً علت است، اما بهره آن از علت، ضعیف است، همان طور که وجود ماده اولی واقعاً موجود است، اما بهره آن از هستی ضعیف است. علل اعدادی در سلسله عرضی عالم ماده واقع می‌شوند و رابطه ایجادی با یکدیگر ندارند، در عین حال در تحقق شی نیز مدخلیت دارند. بنابراین علل اعدادی نیز مرتبه نازلی از علت هستند، احکامی از علل ایجادی که در مناط حکم با علت اعدادی هم جهت هستند، می‌تواند در مورد علل اعدادی نیز صادق باشند، به عنوان مثال قاعده فلسفی «کل ما کان علته اکمل فهو اکمل» در مورد علل ایجادی است، اما این قاعده نیز بر اساس توضیحات گفته شده در مورد علل اعدادی نیز صادق است، بلکه باید در حیثیت صدق آن دقت شود. علل اعدادی از آن حیثی که در معلول مؤثر هستند، کمال آن‌ها سبب کمال معلول و نقص آن‌ها سبب نقص در معلول می‌شوند و سایر احکام نیز به همین ترتیب با احراز مناط تسری حکم، در مورد علل اعدادی نیز صادق هستند. بر این اساس علت اعدادی

نیز از مراتب علت است، همان طور که در علل ایجاد‌ی کمالات علت در معلول ظاهر می‌شود، در علل اعدادی نیز به نحو ضعیف و رقیقی کمالات علت از آن جهت که آن کمال در معلول مؤثر است، در فعل ظهور می‌کند. بنابراین همواره کمال علت از حیث تأثیرگذاری آن کمال در معلول منعکس می‌شود. هر چه حیثیت حضور علت در معلول بیشتر باشد، اثر آن نیز بیشتر است. حضور برخی از علل اعدادی از برخی دیگر شدیدتر است. مثلاً حضور صفات پدر در فرزند بیش از حضور صفات نجار در تخت است و علیت اعدادی انسان در ایجاد افعال و صنایع، پرتوی از علت ایجاد‌ی حق تعالی در اشیا است که بین علت و معلول مناسبت و سنخیت وجود دارد. هر علتی، معلول مناسب با خود را به وجود می‌آورد. با تغییر علت، معلول نیز تغییر می‌کند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۳۶). بر این اساس چون علل، مختلف است، معلول نیز مختلف می‌شود. بنابراین از جهت اختلاف علل مختلف، معالیل مختلف به وجود می‌آید. در مورد علت‌های مادی و اعدادی نیز بین علت و معلول سنخیت وجود دارد، با توجه به اینکه هر چیزی موجب هر تغییری نمی‌شود، اجمالاً بدست می‌آید، نوعی مناسبت و سنخیت بین آن‌ها لازم است، اما نمی‌توان ویژگی مادی این سنخیت را با برهان عقلی ثابت کرد (مصباح یزدی، ۲۰۰۴، ج ۲، ص ۶۹). اگر علل اعدادی از آن جهت که علیت اعدادی آن‌ها در صنعت مؤثر است، تغییر کند، صنعت نیز متأثر از تغییر علل خود می‌شود. مراد از تغییر در علل اعدادی علاوه بر اینکه شامل هر نوع علت اعدادی می‌شود، خصوصاً در مورد انسان است. از آنجا که علل در معالیل ظهور می‌کند و معلول پرتوی از ظهور علت است و علل اعدادی نیز با درجه ضعیف‌تری مشمول همین حکم است، بنابراین انسان در صنعت ظهور پیدا می‌کند که در علل ایجاد‌ی، ظهور فاعل در فعل شدید و در علل اعدادی کمتر است. علل اعدادی منحصر در انسان نیست، بلکه مکان، زمان و ماده نیز در پیدایش صنعت مؤثر است، اما آنچه اکنون محل بحث است، علیت اعدادی انسان است. انسان در صنعت نقش اساسی دارد. زیرا این انسان است که با تصرفات در هستی، نحوه انکشاف خاصی از جهان به ظهور می‌رساند و اگر انسانی نباشد، صنعتی نخواهد بود. اگر علل اعدادی از آن جهت که علیت اعدادی آن‌ها در صنعت مؤثر است، تغییر کند، صنعت نیز متأثر از تغییر علل خود می‌شود. مراد ما از تغییر در علل اعدادی، علاوه بر اینکه شامل هر نوع علت اعدادی می‌شود، خصوصاً در مورد انسان است.

از آنجا که علل در معالیل ظهور می‌کند و معلول پرتوی از ظهور علت می‌شود و علل اعدادی نیز با درجه ضعیف‌تری مشمول همین حکم است، بنابراین انسان علت اعدادی صنایع است، در علل اعدادی نیز فاعل به حسب مرتبه و ماهیت خود به نحوی در فعل ظهور می‌کند و صنعت از این حیث بسط و امتداد مادی انسان است.

دو: ظهور علمی انسان

انسان در علم ظهور می‌کند و صنعت نیز ظهور علمی انسان است. مراد از علم هر گونه شناخت انسان از جهان جهت تصرف، ترکیب و تجزیه اجزای جهت ساخت صنایع است. بنابراین علم و معرفت علمی روشمند، تجربه و مهارت نیز در دایره این قسم قرار می‌گیرد. معرفت انسان از جهان از منظرگاه‌ها و افق‌ها مختلف است، با تغییر افق و منظر، تصرف و صنعت نیز تعیین دیگری پیدا می‌کند. بر همین اساس صنایع و فناوری‌ها، ظهورات و تعیینات مختلف انسانی در افق‌های علمی مختلف هستند. از دیدگاه حکما اسلامی، صنعتگر با قوه متخیله زیر نظر عقل عملی به فعالیت صنعتی و ساخت صنایع رو می‌آورد. قوه متخیله کار ترکیب و تفصیل صور و معانی را بر عهده دارد. قوه متخیله ابتدا صور و ترکیباتی را در درون نفس صانع تصور می‌کند، سپس با فعالیت و تصرف در اشیای خارجی در مکان و زمان خاص آنها را تحقق عینی می‌بخشد (ملاصدرا، ۲۰۰۱، ص ۴۴۰). صنایع دو گونه‌اند، برخی مسبوق به معرفت نظری و مسائل روشمند علمی هستند. مراد از این قسم صنایع، معرفت نظری مضبوط و روشمند است که منجر به تولید صنعت و فناوری می‌شود که شامل علوم پایه و مهندسی و کلیه علوم روشمندی است که با واسطه و بی‌واسطه در شکل‌گیری صنعت و تکنولوژی نقش دارند. تکنولوژی‌های مدرن مانند: کامپیوتر، ماشین، هواپیما و... نمونه‌هایی از یک نوع فناوری هستند. برخی دیگر از صنایع مسبوق به مهارت و کاردانی و مبتنی بر تجربه، حدس و مهارت شخصی است. این فناوری‌ها «از راه خطا و آزمون بدست می‌آیند، اجزایشان صرفاً روابطی غیر دقیق با یکدیگر دارند و توسط هر فرد دارای ذوق فنی قابل درک هستند. چرخ آب نمونه بارز این نوع تکنولوژی است» (دن آیدی، ۱۹۹۸، ص ۱۰۲). به لحاظ تاریخی در دوره گذشته عمده صنایع مبتنی بر تجربه و مهارت بوده و در دوره مدرن عمدتاً تکنولوژی‌ها مبتنی بر معرفت علمی روشمند

هستند. در هر یک از این دو قسم، انسان با مرتبه‌ای از علم و دانش به ایجاد این صنایع رو می‌آورد و در حقیقت هیچ صنعتی بدون علم و معرفت انسانی به وجود نمی‌آید. این معرفت‌ها گاه مضبوط، قانونمند و روشمند و گاه مبتنی بر حدس و تجربه علمی است. انسان با ایجاد صنایع، ابعاد نظری و علمی خود را عینی می‌سازد. در این صورت صنعت ظهور عینی ساحت معرفتی انسان است.

سه: ظهور غایی انسان

ظهور غایی انسان در صنعت، تعیین صنایع در قالب و هیات خاص از ناحیهٔ صانع در جهت هدفی انسانی است. وقتی انسان اراده تصرف در جهان دارد، ابتدا هدف و غایتی از تصرف در ذهن او نقش می‌بندد، سپس در مقام عمل درصدد تحقق آن هدف بر می‌آید. بنابراین، محرک انسان جهت ساخت صنایع، هدف و غایت انسان است. این اهداف دارای سطوح مختلف طولی هستند و هر فناوری با سطحی از اهداف و غایات پیوند دارد. صنعت به خودی خود هدف ندارد و قرار گرفتن آن در هیأت خاص به خاطر هدفی است که صانع در صدد تحقق آن بوده است. بین هدف صانع و کیفیت صنعت تناسب وجود دارد و هدف صانع، صنعت را در جهت مطلوب خود شکل می‌دهد. انسان اشیاء را برای خود می‌سازد و از آن‌جا که هدف این تصرفات خود اوست اشیاء را به گونه‌ای صورت‌بندی می‌کند که مطابق با هدف جهت پیدا کنند. از طرفی اهداف انسانی با هر ابزاری محقق نمی‌شوند، بلکه ابزارها باید آنقدر تراش بخورند تا متناسب با هدف فاعل، واقع گردد. ماشین و هواپیما تشخیص اهداف انسانی هستند که آن اهداف این اشیاء را به این صورت در آورده‌اند. این اهداف از آن‌جا که متناسب با فاعل است در راستای مطلوب او محقق می‌شوند. بر این اساس اهداف نهایی همه تصرفات انسانی همواره به انسان بر می‌گردد و «انسان» و «ابعاد انسانی» غایت الغایات تصرفات و صناعات است. بدین ترتیب غایات و اهداف انسانی سبب شکل‌گیری صنایع و تشخیص آنها در هیات خاص می‌شوند و این همان ظهور انسان در صنعت است.

چهار: ظهور حکمی انسان

«حکمت» یکی دیگر از مبادی صنعت است. حکمت غیر از علم است. علم مربوط به نظر و حکمت مربوط به علم و بینش صحیح همراه با عمل است. علم جنبه آگاهی و معرفت به اشیا و روابط بین آنها دارد و حکمت مربوط به هدفمندی، مصلحت سنجی و اتقان در فعل است (ر.ک: طباطبائی، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۳۹۵). به بیان دیگر حکمت، علم و بینش مطابق با واقع و مربوط به فعل است و سبب قرار دادن اشیا در بهترین وضع و جایگاه می‌شوند. علم به تنهایی برای کمال شی کافی نیست، بلکه حکمت نیز لازم است. حکمت و علم هر دو از صفات حق تعالی هستند. این صفات در انسان‌ها نیز به درجات و مراتب مختلف وجود دارند. صفت حکمت در انسان، پرتوی از حکمت الهی است که بهره‌مندی افراد، اقوام و ملل مختلف از آن، متفاوت است. از این‌رو به میزان بهرمندی انسان از این صفات، افعال و صنایع نیز حکمت‌آمیز خواهند بود. از آن‌جا که در حکمت، مصلحت سنجی و غایت‌مندی وجود دارد، سبب می‌شود شی با خود و اشیا پیرامون در یک نسبت متعادل قرار گیرند. بر این اساس وقتی انسان به ساخت صنایع رو می‌آورد علاوه بر قوانین علمی که برای ساخت صنایع لازم است، در مورد نسبت صنعت با انسان و چگونگی بکارگیری آنها مصالح و مفاسدی را نیز باید در نظر بگیرد. ممکن است به لحاظ علمی دانشمندی با استفاده از کشف قوانین و روابط بین اشیا، صنعتی را کشف کند، اما حکمت انسان آن صنعت را به صلاح بشر نداند. همچنین حکمت مانع تحقق صنایعی که حاصل ابعاد منفی انسانی است (مانند حرص و طمع) می‌شود (بر همین اساس گزارشاتی در تاریخ وجود دارد که برخی از دانشمندان در قرون گذشته به فناوری‌هایی دست یافته‌اند، اما آن را به مصلحت بشر نمی‌دانستند).

پنج: ظهور ارادی انسان

یکی دیگر از مبادی صنایع انسانی، اراده است. صنایع مسبوق به اراده‌اند و بدون اراده انسانی صنعت محقق نمی‌شود. در فلسفه اسلامی اراده جزء مبادی عمل، متأخر از علم و قبل از قوه عامله ذکر شده است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۲۱) انسان ابتدا با استنباط و استنتاج تصویری از صنعت مورد نظر را به دست می‌آورد، سپس اراده انسان به تحقق

صنعت تعلق می‌گیرد. علل و عوامل تعلق اراده انسان به صنعت امور متعددی نظیر علم و دانش، امیال و سلايق، استعدادها و زمینه‌ها و... است. در برابر اراده انسانی «امکان‌های» متعددی قرار دارد. محقق شدن یک امکان خاص حاصل تعلق اراده انسان به آن است. بنابراین، صنایع حاصل ظهورات اراده انسانی هستند که پس از طی مراحل علمی مورد اراده و خواست انسانی قرار گرفته‌اند. پیدایش و زوال یک فناوری، بسط و توسعه و گسترش برخی از فناوری‌ها، برجسته شدن فناوری‌های معینی در یک زمان و به محاق رفتن سایر فناوری‌ها در همان زمان، محصول تعلق اراده‌های انسانی به حسب اوضاع و شرایط گوناگون است. بر این اساس اینکه برخی از صنایع در زمان‌های مختلف به وجود نیامده‌اند. این به این معناست که علم و دانش آن صنایع موجود نبوده، لذا اراده به آن تعلق نگرفته یا علم به آن صنایع بوده، به دلایل مختلفی مورد اراده انسانی قرار نگرفته‌اند.

شش: ظهور فعلی انسان

علاوه بر علم، حکمت و اراده، حیثیتی دیگری در ظهور صنایع و فناوری‌ها تأثیر دارد و آن قدرت است که در اینجا از آن به «ظهور فعلی» تعبیر شده است. در انسان صرف علم، حکمت و اراده برای تحقق شی کافی نیست، بلکه نیاز به قدرت نیز دارد. اگر قدرت وجود داشته باشد، اما به حد نصاب برای انجام کار نرسد، باز شی تحقق پیدا نمی‌کند. در فلسفه اسلامی تحقق عمل علاوه بر مبادی علمی و تحریکی نیاز به قوه فاعله نیز دارد و قوه فاعله نزدیک‌ترین قوه برای انجام فعل است. قوه عامله، قوای عضلانی را برای بکارگیری اعضا بدنی جهت تحقق بخشیدن به عمل بکار می‌گیرد و عمل تحقق عینی پیدا می‌کند (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۴، ص ۱۱۴). در بحث صنعت نیز تحقق صنایع نیاز به قدرت انسانی دارد. چه بسا انسان صناعی را اراده کرده، اما قدرت عملی بر انجام آن‌ها ندارد. بنابراین صنایع، حاکی از ظهور قدرت انسان است.

هفت: ظهور کیفی مجاری

این قسم از ظهور انسانی در صنایع، جالب در عین حال پذیرش آن دشوار است. با این حال بر اساس برخی از مبانی قابل طرح است (این موضوع بر اساس متون دینی و گفتار

عرفا، حکما شواهد متعدد دارد که به جهت خروج از روش بحث از آن صرف نظر می‌شود). پیدایش صنایع مسبوق به یکسری بسترها و زمینه‌ها است. از این بسترها و زمینه‌ها به عنوان «مجاری کیفی صنعت» یاد می‌شود. این زمینه‌ها می‌تواند به حسب شرافت و خساست تکوینی زمینه، شکل‌گیری مجاری بر اساس احکام و دستورات تشریحی، حسن و قبح فاعلی و... در ماهیت صنعت انسانی تأثیر گذار باشد. این تأثیر از سنخ تأثیر تکوینی است. تأثیر تکوینی آثار وضعی مترتب بر «فعل صنعتی» انسان در جهان است. تأثیرات نیز صرفاً تأثیر ظاهری نیست، بلکه تأثیرات باطنی را نیز شامل می‌شود. ما به حسب ظاهری درباره‌ی حیثیت تکوینی دآوری ارزشی نمی‌کنیم، یعنی نمی‌گوییم این میز و تخت بد یا خوب است. انسان نیز مأمور به تکلیف درباره‌ی این امور نیست. در بین این موارد مرتبه‌ی انسانی نقش تعیین کننده در نحوه‌ی فعلیت و انکشاف اشیا دارد. یکی از مسائلی که برای این ادعا استفاده می‌شود، مسأله‌ی سنخیت بین علت و معلول است. لازمه‌ی اصل سنخیت آن است که اگر ماهیت دو شیء متفاوت باشند، آثار آنها نیز متفاوت است. اختلاف در ماهیت علت، موجب اختلاف در ماهیت معلول می‌شود. زیرا فرض آن است که ذات علت با همدیگر تفاوت دارند. «علل مختلف‌الماهیه»، از جهت اختلافشان، محال است منشأ اثر واحد شوند (طباطبائی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۲۵). این دیدگاه معمولاً در مورد علت ایجاد می‌گفته می‌شود، اما بر اساس مبنای اتخاذ شده در علت اعدادی، فی الجمله می‌توان از نوعی سنخیت و تفاوت بسترها و زمینه‌ها سخن گفت. از آنجا که علت در معلول ظهور می‌کنند و معلول پرتوی از ظهور علت است و علت اعدادی نیز با درجه ضعیف‌تری مشمول همین حکم است. مجاری از این حیث در یک مرتبه قرار ندارند، برخی از مجاری اشرف، برخی اخس و برخی متوسط هستند. به عنوان مثال صندلی و میزی که از مجاری غیرشرعی و از طریق معاملات باطل اقتصادی یا از طریق ظلم و اجحاف، به فعلیت می‌رسند، چون مجاری پیدایش این شیء ناصحیح است، علاوه بر اینکه فعل انسان، متصف به قبح فاعلی می‌شود، به لحاظ تکوینی و وضعی نیز اثری از این عمل سوء انسانی در صنعت حاصله به وجود می‌آید. در این صورت صنعت حاصله از این مجاری ظهور صفات کمالی مانند علم و شعور در آنها کمتر است. جالب است این موضوع امروزه شواهد تجربی فراوانی دارد. نمونه آن تحقیقات ماسارو ایموتو ژاپنی درباره‌ی تأثیر کلمات بر روی آب است. این تحقیق بعداً

توسط برخی دیگر از محققین مورد تایید تجربی قرار گرفت. بر اساس این تحقیقات آب در شرایط و بسترهای معنوی و مناسب بهترین حالت به خود می‌گیرد و آب‌هایی که در بسترها و زمینه‌های نامناسب قرار می‌گرفت، شکل ذرات آن زشت می‌شد. این گونه شواهد تجربی امروزه در زمینه‌های مختلف دیده می‌شود. طرف دیگر این انکشاف از جهان، مجاری است که به واسطه انسان‌های مقدس گشوده می‌شوند. در این نحوه از انکشاف، اشیا به واسطه مجاری شریف و مقدس ظهور حقیقی پیدا می‌کنند و اثری از آن نیز به مصنوع منعکس می‌شود.

۵. احکام فلسفی ظهورات انسانی در صنایع

در مورد ظهور انسان در صنعت، نکاتی از منظر فلسفی بیان می‌شود: یکم. ظهور انسان در صنایع به حسب حیثیت فاعلی (حیثیتی که فاعل در مصنوع تأثیر می‌گذارد) و حیثیت قابل (حیثیتی که صنایع از انسان تأثیر می‌پذیرند) متفاوت و دارای مراتبی از شدت و ضعف است. در برخی از مظاهر اوصاف انسانی شدیدتر از برخی دیگر ظهور می‌کند. مثلاً ظهور علمی انسان در صنعت بیش از ظهور حکمی است. به این معنا که صنایع بیش از آنکه از حکمت انسان ناشی شوند، از علم انسان ناشی می‌شوند. دوم. هر یک از این ظهورات، جنبه‌ها و حیثیت‌های مختلف ظهور صنعت در انسان هستند که با تفکیک این حیثیت‌ها، مجاری ظهور نیز تغییر می‌کند. ظهور جامع، این حیثیت‌ها در شی عینی تحقق یافته است. سوم. نقص در مجاری ظهور انسان، سبب نقص در حیثیت‌های ظهور و صنایع حاصله می‌شود. مجاری ظهور نظیر: علمی، حکمی، فعلی و... در انسان ناقص و محدود است. صنایع حاصله نیز به همان اندازه ناقص خواهند بود. در برخی از صنایع، برخی حیثیت‌ها بر حیثیت دیگر غلبه دارد.

سوم. ظهور انسان در صنایع به مثابه ظهور حق تعالی در مخلوقات است و عالم تجلی اسما و صفات خداوند متعال است. کمال، اتقان، استواری و حکیمانه بودن اشیا عالم، حاکی از علم، قدرت و حکمت بالغه الهی دارد. همچنین، صنایع نیز ظهور اوصاف انسانی است که حاکی از علم، قدرت و حکمت انسان دارند. صفت صانع در انسان، ظهور صفت صانع

در حق تعالی است، پس انسان خلیفه الهی در صفت صنعتگری الهی است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ص ۱۱۰).

چهارم. این ظهور علاوه بر صنایع شامل همه افعال و اعمال انسانی نیز می‌شود. صنعت نیز نوعی فعل و عمل انسانی است. همان‌گونه که صنایع ظهور انسان‌اند، افعال انسانی نیز ظهور انسان هستند. اما از آن‌جا که ارتباط انسان با فعل پیوند وثیق‌تری دارد، لذا ظهور انسان در فعل شدیدتر از صنایع است. صنعت از جهت آن که خارج از وجود انسان است، پیوند ضعیف‌تری با انسان دارد.

۶. دلالت بحث: شکل‌گیری «بدن صناعی»

بر اساس آنچه در بالا گفته شد می‌توان گفت صنعت مرتبه‌ای از مراتب انسان است. به عبارت دیگر صنعت بسط وجود مادی انسان است. مراد از مرتبه در اینجا «ظهور انسان در صنعت» است که صنعت ظهور علم، حکمت، غایت و اراده انسان است. این مرتبه از صنعت برای انسان، شبیه بدن طبیعی برای نفس است (با علم به تفاوت اساسی بین آن دو) این مرتبه از انسان را که به منزله بدن طبیعی است، «بدن صناعی» می‌نامیم. این بدن همانند بدن طبیعی متشکل از اعضا اصلی و فرعی، ریز و درشت، خادم و مخدوم و... است، به گونه‌ای که هر صنعتی به نحوی با یکی از اعضا بدن یا با مجموع بدن ارتباط دارد و این ارتباط در مواردی از قبیل قوام بخشی به ساحت جسمی (مثل صنعت طبخ و خبازی) و در مواردی زیادی بسط و امتداد فعالیت اعضای بدن (مثل بیل امتداد دست، گاری و ماشین و هواپیما امتداد پا، عینک، تلسکوپ و میکروسکوپ امتداد چشم)، برخی جهت رفاه و آسایش ساحت جسمی (مانند خانه، صندلی، کولر)، برخی در جهت تزیین (مانند لباس، صنعت رنگرزی) و در برخی موارد جهت التذاذ (مانند صنعت موسیقی) است. از دیدگاه حکما نقش صنعت تکمیل «طبیعت» است. چون طبیعت انسان برای ادامه فعالیت‌های خود ناقص و ناکافی است، بنابراین به صنعت احتیاج دارد. بر اساس این دیدگاه نقص طبیعت از درمان، سبب پیدایش صنعت طب و نقص طبیعت در پرورش دانه‌ها، سبب پیدایش صنعت فلاحت شده است، (عامری، ۱۹۹۶، ص ۲۸۶، و نیز رک به شعر ملاصدرا در باره نقش صنعت نسبت به طبیعت (ملاصدرا، ۲۰۰۳، ص ۲۶-۲۷)) بنابراین تکنولوژی

ناشی از کاستی‌های اندامی انسان است. انسان در هر محیط طبیعی، به موجب فقدان اندام‌ها و غریزه‌های مناسب، قادر نیست به موجودیت خود ادامه دهد و در نتیجه برای بقای طبیعی خود در شرایط پیرامون خود تغییراتی به وجود آورد. کاربرد اسلحه و جنگ-افزار، آتش و فنون شکار به این ترتیب به نمونه‌های طراحی شده برای حفظ نوع انسان است؛ به طوری که واژه تکنولوژی دلالت بر ابزارهای واقعی و مهارت‌های مورد نیاز برای انسان است تا فقر غریزه خویشتن را جبران کند (گلن آرنولد، ۲۰۰۹، ص ۱۳۱-۱۳۲).

۷. تناظر «بدن صناعی» با «بدن طبیعی»

انسان در اثر فعالیت‌های صنعتی، بدنی متناسب با نشئه مادی می‌سازد. این بدن برای نحوه مواجهه انسان با جهان ساخته شده است. «بدن صناعی» از آنجا که امتداد حواس و اعضا ظاهری انسان است، حضور مادی انسان را در جهان توسعه می‌دهد. توسعه این بدن، بسط وجود انسان در دنیا است. رابطه این بدن با انسان همانند رابطه نفس با بدن طبیعی است؛ با این تفاوت که تعلق نفس به بدن مادی تکوینی و حقیقی است و تعلق انسان به «بدن صناعی» عارضی و ضعیف است. تعلق انسان به «بدن مادی» بیش از «بدن صناعی» است. اما از جهات تشابه آن‌ها همان‌گونه که بدن مادی در تعیین و شکل‌گیری هویت انسان نقش مهمی دارد، «بدن صناعی» نیز در شکل‌گیری اوصاف و احوال جدید انسانی تأثیر زیادی دارد. همان‌گونه که بدن طبیعی احوال و اوصاف نفس انسانی را در خود ظاهر می‌کند، بدن صناعی نیز احوال و اوصاف انسانی را (همانند علم و حکمت و ...) نیز ظاهر می‌کند. همان‌گونه که بدن طبیعی ابزار ارتباط انسان با جهان مادی، بدن صناعی نیز وسیله ارتباطی انسان با این جهان است. همان‌گونه که بدن طبیعی خارج از حقیقت انسان است، بدن صناعی نیز خارج از حقیقت انسان است. همان‌گونه که بدن طبیعی دارای اجزاء اصلی و فرعی است که هر یک از آن‌ها کارکرد خاصی دارند و با همدیگر ارتباط و هماهنگی دارند، بدن صناعی همانند بدن طبیعی دارای اجزای اصلی و فرعی است که هر یک دارای کارکرد خاصی هستند، همان‌گونه که اختلال در یک بخش از بدن طبیعی سبب اختلال در سایر اعضا می‌شود، در بدن صناعی نیز فقدان یا اختلال در یک بخش در سایر بخش‌ها نیز تأثیرگذار است. همان‌گونه که کیفیت بدن مادی نفس را مستعد ظهور احوال و اوصاف

خاصی می‌کند، بدن صناعی نیز به همین صورت کیفیت آن اوصاف و گرایش‌های خاصی را در انسان ایجاد می‌کند. این بدن از آن‌جا که به وجود ساحت مادی انسان منظم شده است، تأثیر مستقیمی در تحول درک ما از خود و محیط پیرامون و شناخت ما از هستی و ظهور صفات در انسان دارد. بدن صناعی مدرن امروزه سبب شکل‌گیری مفاهیم، ایده‌ها و اندیشه‌های جدیدی برای انسان معاصر شده است. تکنولوژی مدرن چشم و گوش دیگری برای انسان معاصر باز کرده است که در دوران گذشته برای او میسر نبود. صنعت قدیم و تکنولوژی مدرن، دو بدن بر قامت انسان سنتی و انسان مدرن هستند که در مبانی، روش، ساختار، آثار و عوارض و نسبت آن با انسان و طبیعت تفاوت اساسی با یکدیگر دارند. این تفاوت مربوط تفاوت علم قدیم و جدید و تفاوت انسان معاصر و سنتی در مواجهه با جهان است. در هر یک از این تفاوت‌ها ظهور و تجلیات متفاوتی دارند. صنعت قدیم، ظهور انسان قدیم و تکنولوژی مدرن، ظهور انسان مدرن است.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش عبارتند از:

یکم. صنعت بسط و امتداد وجود بدن مادی و نوعی فعل انسانی است که اوصاف آدمی در آن ظهور می‌کند. مراد از ظهور، حضور و تجلی انسان در صنعت است. بنابراین، صنایع، جلوه‌گاه ظهور انسانند.

دوم. مجاری هفت‌گانه ظهور انسان در صنایع عبارتند از: ۱. ظهور علی انسان، ۲. ظهور علمی انسان، ۳. ظهور غایی انسان، ۴. ظهور حکمی انسان، ۵. ظهور ارادی انسان، ۶. ظهور فعلی انسان، ۷. ظهور کیفی مجاری.

سوم. حضور انسان در صنایع، به حسب امور مختلف تشکیکی و دارای مراتب مختلف است. چهارم. فعالیت‌های صنعتی انسان، بدن دومی در امتداد بدن طبیعی به وجود می‌آورد که «بدن صناعی» نامیده می‌شود. بدن طبیعی رابط انسان با عالم طبیعت و «بدن صناعی» نیز رابط ما با عالم صنعت و طبیعت است. از این‌رو «بدن صناعی» همانند بدن طبیعی از انسان تأثیر می‌پذیرد و بر روی انسان تأثیر می‌گذارد.

مشارکت نویسنده

این مقاله به صورت مستقل نوشته شد.

تشکر و قدردانی

بیان نشده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

معرفی نویسنده



احمد شه گلی، دکتری فلسفه و عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است. ایشان سال ۱۳۸۲ مقطع کارشناسی خود را در دانشگاه علوم اسلامی رضوی شروع کرد، سپس با رتبه دو کشوری در دانشگاه تربیت مدرس تهران در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شد. او مدرک دکتری خود را از دانشگاه قم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی با معدل ۱۹.۱۷ به عنوان فارغ

التحصیل ممتاز دانشگاه قم دریافت کرد. ایشان عضو بنیاد ملی نخبگان و دارای بیش از ۳۰ مقاله علمی مجلات پژوهشی و همایش‌هاست و در سال ۱۳۹۴ از ناحیه وزارت علوم به عنوان «دانشجوی نمونه کشوری» انتخاب شده است. همچنین، او در جشنواره‌های مختلف ملی موفق به کسب عنوان مقام برتر گردید. پژوهشگر برگزیده، کسب مقاله برتر کشوری، منتخب فعالان علمی استان قم برخی از افتخارات وی است. ایشان همچنین عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان - عضو انجمن علمی کلام اسلامی حوزه علمیه قم و عضو اساتید دروس معارف اسلامی است. ایشان در دانشگاه قم، معارف اسلامی و دانشگاه مذاهب اسلامی تدریس داشته‌اند و زمینه‌های مطالعاتی او در فلسفه اسلامی، مبانی نظری اسلام، غرب‌شناسی، فلسفه ذهن و حوزه تمحض وی انسان‌شناسی (با رویکرد فلسفی - دینی) است.

Shahgoli, A. faculty member, Iranian Institute of Philosophy, Tehran, Iran

✉ shahgoliahmad@gmail.com

منابع و مأخذ

- Ameri A, *Rasayil*, Tehran: University Press; 1996. Arabic.
- Don Idi, *Taqadom vojoodi va tarekhi tknoloji bar elm*, Translated by Shapour Etemad, Tehran: markaz Publication; 1998. Persian.
- Farabi, Abu Nasr, *Ahsa'al-oloom*. Tehran: Cultural and Scientific Publications; 1984. Arabic.
- Glenn A, *Roikardi falsafi mardomshnasi bh fanavari*, Translated by Manouchehr Sanei, Tehran: Religions and denominations; 2009. Persian.
- Ibn Khaldun A, *Moqdmh*, Translated by Parvin Gonabadi, Tehran: elmei and farhangi; 1990. Persian.
- Ibn Sina, *Al-Shifa (Al-Mantiq)*. Qom: Marashi Najafi; 1985, Arabic.
- Mirfendersky A, *Resale Sonayih*, Qom: Bostan ktab; 2008, Persian.
- Ragheb E, *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Alam; 1992, Arabic.
- Rahimi, Gh, *Mefhom sanat va fanavari der manab tamadon Islami*. Tehran: Tarbiat Modarres; 2014, Persian.
- Sadr al-Din Shirazi. (Mulla Sadra), *Al-Mabda and l-Ma'ad*, Tehran: Iranian Institute of Philosophy; 2001. Arabic.
- Sadr al-Din Shirazi, (Mulla Sadra), *Asrar al-ayat*. Tehran: Institute of Wisdom and Philosophy; 1981, In Arabic.
- Sadr al-Din Shirazi (Mulla Sadra), *Al-Shavahed Al-Rububiyah*, Corrected by Ashtiani, Qom: Bostan ktab; 2003, Arabic.
- Sadr al-Din Shirazi, (Mulla Sadra), *Al-Asfar*. Beirut: Dar al-Ahaya al-Arabi; 1981, Arabic.
- Tabatabaei, M, *Usul falsafe va raveshe realism*, Tehran: Sadra; 1985, Persian.
- Tabatabaei, M, *Al-Meizan*. Qom Nashar Islami Publications; 1996, Arabic.
- Tusi, N, *Akhlaq nasseri*. Tehran: Islamic school; 1970, Arabic.
- Mesbah Yazdi, MT, *sharh alaheyat Shifa*, Qom: Imam Khomeini Institute; 2004, Persian.
- Plantinga A, *Warrant and Proper Function*. New York and Oxford: Oxford University Press; 1993.

How to cite this paper:

Ahmad Shahgoli (2020- 2021). The emergence of Human in the industry (A Philosophical approach about The emergence of Human in the industry and appearance of Industrial body). *Journal of Ontological Researches*, 9(18), 571-594. Persian.

DOI: 10.22061/orj.2021.1510

URL: http://orj.sru.ac.ir/article_1510.html



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to SRU Press. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC-BY-NC 4.0) License. For more information, please visit <https://www.creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/legalcode>.

